



رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان قوه قضائیه چند نکته مهم برای بهبود عملکرد این قوه تشریح کردند

تنظیم رابطه ضابطین وعدلیه



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز (سه‌شنبه) در دیدار رئیس قوه قضائیه و جمعی از مسئولان و کارکنان دستگاه قضایی به تبیین «سنت‌های غیرقابل تغییر الهی در جوامع» پرداختند و گفتند: «علت سربلندی و پیروزی حیرت‌آور ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دربرابر حوادث بزرگ و تلخ سال ۱۳۶۰، ایستادگی و تلاش و نهراسیدن از دشمنان بود و این سنت الهی در همه دوران‌ها قابل تکرار است و باید بدانیم خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است.»

ایشان همچنین قوه قضائیه را رکنی مهم و تاثیرگذار در مسائل کشور خواندند و توصیه‌هایی هشت‌گانه همچون اجرای جدی سند تحول در همه سطوح، مبارزه جدی با فساد، جلوگیری از تضییع حقوق عامه، مراقبت از امنیت روانی مردم، تنظیم رابطه دستگاه قضایی با ضابطان و به سرانجام رساندن پرونده‌های بازشده در افکار عمومی، خطاب به مسئولان این قوه بیان کردند.

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار، با گرامیداشت یاد و خاطره شهید آیت‌الله بهشتی و دیگر شهدای هفتم‌تیر، شهید بهشتی را شخصیتی واقعا برجسته خواندند و با اشاره به شرایط پیچیده و خاص ماه‌های منتهی به هفتم‌تیر سال ۱۳۶۰ و بعد از آن، گفتند: «بررسی شرایط آن دوران برای امروز ما معرفت‌آموز و راهگشا است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با مرور شرایط سال ۱۳۶۰ و ماه‌های قبل از هفتم‌تیر، به وضعیت سخت جنگ تحمیلی و پیش‌روی نیروهای صدام تا نزدیکی چند شهر بزرگ در غرب و جنوب اشاره کردند و افزودند: «درکنار شرایط بسیار نامساعد جنگ، در تهران نیز منافقین عملا جنگ داخلی به‌راه انداخته بودند و از نظر سیاسی هم چند روز قبل از هفتم‌تیر، مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور رای داده بود و کشور رئیس‌جمهور نداشت. در چنین شرایطی، استوانه‌ای همچون شهید بهشتی از انقلاب و نظام گرفته شد.»

ایشان همچنین به شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کشور، دومانه بعد از حادثه هفتم تیر و پس از آن، شهادت تعدادی از فرماندهان ارشد جنگ در سانحه هوایی اشاره کردند و گفتند: «جوانان و نسل جدید از این حوادث مطلع نیستند و باید این مسائل را مطالعه و با دقت در مورد آنها فکر کنند. کدام دولت و کشور را سراغ دارید که در مقابل چنین حوادث تلخ و وحشتناکی از پا نیفتد؟»

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: «درمقابل همه این حوادث، در راس همه امام کهوه دماوند سربلند ایستاد و مسئولان دلسوز و مردم و جوانان انقلابی نیز ایستادند و توانستند شرایط کشور را صدوشتاد درجه تغییر دهند، به‌طوری‌که ناکامی‌های پی‌درپی به پیروزی‌های پی‌درپی تبدیل شد، منافقین از سطح خیابان‌ها جمع شدند، ارتش و سپاه قوی‌تر شدند و کشور به روال عادی بازگشت.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ذوق‌زدگی دشمن در برخی مقاطع به‌دلیل برخی ضعف‌ها و کمبودهای داخلی افزودند: «هم در سال ۱۳۶۰ و هم بعد از آن در چهاردهم گذشته، دشمن در مواردی ذوق‌زده و امیدوار شده و تصور

کرده است بساط انقلاب و نظام در حال جمع شدن است اما این امیدواری تبدیل به ناامیدی شده و مشکل آنها این است که راز این ناامیدی را متوجه نمی‌شوند.»

ایشان تاکید کردند: «دشمن نمی‌تواند بفهمد که در این عالم به غیر از محاسبات سیاسی، محاسبات دیگری هم وجود دارد که همان سنت‌های الهی هستند.»

رهبر انقلاب به نمونه‌هایی از سنت‌ها و قوانین الهی در قرآن درباره نتیجه یاری دین خدا یا نتیجه کفران نعمت‌های خداوند اشاره کردند و افزودند: «قرآن کریم مملو از مضامین مربوط به سنت‌های الهی است و جمع‌بندی آنها این است که اگر جوامع در مقابل دشمنان ایستادند و با توکل بر خداوند به وظایف خود عمل کردند، نتیجه آن پیروزی و پیشرفت است اما اگر دچار اختلاف، عافیت‌طلبی و سستی شوند، نتیجه آن شکست خواهد بود.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر لزوم بررسی علمی سنت‌های الهی با نگاه جامعه‌شناسی، سخنان خود در این بخش را این‌گونه جمع‌بندی کردند: «ملت ایران در سال ۱۳۶۰ با قرار گرفتن در مدار یکی از سنت‌های الهی یعنی جهاد و ایستادگی توانست دشمن را ناامید کند. امروز نیز همان قاعده و قانون جاری است و خداوند سال ۱۴۰۱

همان خداوند سال ۱۳۶۰ است و باید تلاش کنیم خود را مصداق سنت‌های الهی قرار دهیم تا نتیجه آن پیشرفت و پیروزی باشد.»

رهبر انقلاب در ادامه قوه قضائیه را رکنی مهم و تاثیرگذار در کل کشور خواندند و گفتند: «براساس آیات قرآن کریم، وظیفه حکومت اسلامی، اقامه نماز یعنی گسترش روح تعبد در جمهوری اسلامی، ایثاء زکات یعنی عدالت توزیعی در جامعه اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر یعنی امر به ارزش‌هایی همچون عدالت، انصاف، برادری و نهی از ظلم، فساد و تبعیض است که به این اصل در قانون اساسی نیز تاکید شده و جزء وظایف قوه قضائیه هم قرار دارد.»

ایشان افزودند: «اگر به این وظایف با استفاده از امکانات گوناگون همچون امکانات قضا و دادگستری عمل نشود، مصداق تضییع نعمت‌های الهی است و از این ناحیه ضربه خواهیم خورد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس قوه قضائیه را فردی مومن، انقلابی، پرکار، مردمی، به‌دور از تشریفات، آشنا با زوایای گوناگون قوه و برخوردار از گوش شنوا در قبال منتقدان خواندند و توصیه‌هایی هشت‌گانه به مسئولان و کارکنان این قوه بیان کردند.

ایشان در توصیه اول، سند تحول تهیه‌شده در دوره مدیریت قبل را از مرتقی‌ترین اسناد تحول دانستند و افزودند: «به این سند باید عمل و براساس آن شخصیت‌سازی و کادرسازی شود.»

رهبر انقلاب، عمل به سند تحول را باعث جلوگیری از انفعال در مقابل مخالفت‌ها خواندند و افزودند: «رئیس قوه، مقید به عمل به سند است اما در سطوح دیگر یعنی همه قضات، کارکنان و مدیران نیز باید این کار با قوت دنبال شود، البته براساس برخی گزارش‌ها، در این زمینه آن‌گونه که باید، عمل نشده است.»

«مبارزه جدی با فساد» توصیه بعدی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مسئولان قضایی بود. ایشان با تایید سخنان رئیس قوه قضائیه مبنی بر «در اولویت بودن مبارزه با فساد درون قوه»، خاطرنشان کردند: «اکثریت قضات، افرادی شریف، پاک‌دست، نجیب، مومن و زحمتکش هستند اما با معدود افراد فاسد که به کار و آبروی دیگران آسیب می‌زنند، باید برخورد شود، البته در مقوله مبارزه با فساد، کار اصلی، مقابله با ساختارهای فسادزا و در هم‌شکستن آنها است.»

رهبر انقلاب با تاکید بر تقویت دانش قضایی و جلوگیری از

صدور احکام ضعیف یا مخدوش، در توصیه بعدی به تشویق قضات و کارکنان شریف و زحمتکش سفارش کردند.

«معتل نماندن هیچ‌یک از اختیارات و ماموریت‌های قانونی قوه» توصیه دیگر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مسئولان قضایی بود که در این زمینه گفتند: «مثلا دادستان کل در حوزه حقوق عمومی وظایفی دارد که باید با رصد کامل و البته به دور از احساسات و شعارزدگی، از تضییع حقوق عامه جلوگیری کند.»

ایشان پیشگیری از جرم را از دیگر مصادیق ماموریت‌های مهم قوه قضائیه برشمردند و گفتند: «به‌عنوان نمونه باید با عمل به تکلیف قانونی در زمینه تعیین مالکیت زمین‌ها در شهرها و روستاها، از جرائمی مانند زمین‌خواری و کوه‌خواری پیشگیری شود.»

رهبر انقلاب در توصیه ششم، «تنظیم ارتباطات قوه قضائیه و ضابطان قضایی» را مورد تاکید قرار دادند و گفتند: «بر رفتار ضابطین باید مراقبت و نظارت شود که در حق متهم زیاده‌روی یا تندروری نشود. دستگاه قضایی نیز نباید تحت‌تاثیر ضابط باشد، بلکه باید به‌صورت مستقل به مسائل رسیدگی کند، البته نظرات کارشناسی ضابطان نیز نادیده گرفته نشود.»

ایشان در این زمینه افزودند: «یکی از گلابه‌های ضابطان از دستگاه قضایی‌رها کردن برخی پرونده‌ها به‌علت کمبودهای قانونی است، درحالی‌که باید با تکمیل قوانین این خلأ را برطرف کرد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه بعدی به مسئولیت قوه قضائیه در قبال امنیت روانی مردم اشاره کردند و گفتند: «امنیت روانی ازجمله حقوق عمومی است و دستگاه قضایی باید از نگران کردن و تخریب ذهن مردم به‌وسیله شایعات و اظهارات دروغ و هراس‌افکن افراد مشخص یا نامشخص در رسانه‌ها و فضای مجازی جلوگیری کند.»

رهبر انقلاب در توصیه هشتم و پایانی با اشاره به باز شدن پرونده‌های مهم و گوناگون در افکار عمومی همچون مسائل کارخانه‌ها یا تصرفات غیرقانونی، تاکید کردند: «سر زخم پرونده‌هایی که در افکار عمومی باز می‌شود نباید باز بماند. هر پرونده را تا آخر ادامه دهید و نهایی کنید.»

ایشان در پایان سخنان‌شان، کار قضایی را ازجمله کارهای بسیار دشوار برشمردند و گفتند: «البته اگر این کار را برای خدا و با هدایت الهی انجام دهید، اجر آن نیز سنگین خواهد بود.»

در ابتدای این دیدار، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه گزارشی از اقدامات این دستگاه در دوره اخیر، با تاکید بر ارتباط بیش از پیش با اقشار مختلف مردم، تقویت تعامل با قوای دیگر، تلاش برای تحقق سند تحول قضایی، جهش در استفاده از فناوری‌های نوین و هوشمندسازی خدمات قضایی، حمایت از تولید و رفع موانع آن، رایگان کردن برخی خدمات قضایی در مناطق محروم، مبارزه جدی با فساد به‌ویژه در داخل قوه، اولویت دادن به پرونده‌های کثیرالشکای و دارای اهمیت در افکار عمومی، تشدید نظارت‌ها بر حسن اجرای قوانین و مصوبات لازم‌الاجرا و همچنین پیگیری‌های مستمر و جاری برای بهبود وضع معیشتی کارکنان و تقویت پایه بودجه قوه قضائیه بیان کرد.

یادداشت

هراس رادیکال‌ها از جمهوریت

درباره فعالیت‌های سیاسی این روزهای اصلاح‌طلبان

آمدن می‌یافت. با این حال هیچ‌گاه درست‌مورد خطاب قرار نمی‌گرفت و با پاره توصیفی‌ان‌شاءالله‌گربه‌است، توجیه می‌شد.

یکی از این انگاره‌های غلط که حاصل همان اشتباه اول یا انحراف از پاسخ درست رخ داد، خیالی بود که این جریان با خود، خوش داشت که مثلا آخرین سنگر پناه اجتماعی است و مردم از هر صدایی که خسته شوند، با صدای ما فریاد می‌زنند. کافی است اعتراضی علیه سیاست‌های هیات‌حاکمه صورت بگیرد، ناخواسته و خودبه‌خود جریان اصلاحات نمایندگی این مطالبه و اعتراض را برعهده می‌گیرد. دی‌ماه۹۶ این تصور اصلاح‌طلبان را نیز بر هم زد. اصلاحات نه‌تنها قدرت نمایندگی چنین مطالباتی را از دست داده بود، بلکه در تحلیل حوادث۹۶ نیز سردرگم و آشفته شده بود. محمد مهدی مجاهدی، یکی از کسانی است که با فاصله اندکی پس از حوادث دی‌ماه در نشریه اندیشه پویا این تغییر ریل را نشان می‌دهد: «ارتباط گفتاری و معنایی جامعه با سیاست (یعنی عرصه پیگیری خبر عمومی) از همیشه کمتر شده بود. جامعه‌ای این چنین به‌خودوانیاده، به‌تنهایی و در غیاب مشارکت و کنشگری سیاسی معنادار و موثر، نمی‌توانست درد ویرانگر گسیختگی‌های روزافزون اجتماعی و ناکامی‌های فراپسنده اقتصادی را تاب آورد، خصوصا که در وضعیت طلاق عاطفی سیاست و جامعه و در غیاب هر نوع آرمان اخلاقی افق‌گشایانه، تحمل این همه درد و رنج آن‌هم زیر‌آوار بدنه سیاسی لخت و ناهوشمند و تندخوی و پرخاش‌جو که مظنون به فساد نجومی و سیستماتیک هم بود، بی‌معنا می‌نمود.»

گفتار مهدی مجاهدی از کنشگران تازه‌قدریافته این

مساله این است که یک تابو یا ترس ذاتی همواره از همان اول با اصلاح‌طلبان همراه بوده و هر تلاشی در نسبت با آن فرار قابل تحلیل است. از این نظر دلالت پنهان برساخت جمهوریت که تبدیل به‌عادت‌واره کلامی آنها شده است، یک مفهوم میان‌تهی است. یک حقیقت ترسناک که کمتر به آن توجه شده است. یک هراسی که با گریز از آن تنها می‌توان زیست. آن دلالت پنهان چیست؟ «جمهوری بدون جمهور» یا «جمهوری بدون مردم».

یک سوال پنهان همواره برای اصلاح‌طلبان مطرح بوده است که انگشت اشاره خود را به‌کدام‌سو باید نشانه گیرند؟ یک اصلاح‌طلب از اول حق داشته بگوید دقیقا این مردمی که می‌گویند کدام مردم است؟ کدام جامعه است؟ او حق داشته از بانیان فکری خود بپرسد مردم را به ما نشان دهید تا با جان دل آن شویم که می‌خواهید. سوال دیگری که او حق داشته بپرسد این است که چه بخشی از این مردم واقعا مردم هستند و چه بخشی از نظر شما مردم نیستند؟ پرسش‌های حقی که امکان طرح‌شدن نیافتند و با پاسخی یا برساختی پیش‌دستانه مدفون شدند. پاسخ ساده بود: همه کسانی که مثل ما هستند مردمند، ما هم مردم هستیم.

چون جزء همه کسانی هستیم که مثل هم هستیم. امتناع حق پرسش از کیستی، چپستی و کجایی مردم، پاسخی بود که اصلاحات به هراس جمهوریت خود داد. از دوم خرداد۷۶ به‌بعد، اصلاحات خود را جریان‌ی مردمی جاز د و بر این مینا هویت خویش را تعریف کرد. انگاره‌های ذهنیش را سامان داد و در ادبیاتش، کلیدواژه مردم‌داری را نشان‌گذاری کرد. البته این پاسخ مستعجل، موجب از بین رفتن حقیقت هراس نشد. ازدهای ترس و هراس، هرازچندگاهی سرک می‌کشید و گاهی حتی مجال بیرون

رفت، یعنی همان که گفته شد: «مردم کسانی هستند که مثل ما هستند، ما هم مردم هستیم چون جزء همه کسانی هستیم که مثل ما هستند.» این انحراف اولیه از واقعیت مردم، نقطه تمرکز را از اعتماد واقعی به مردم به اعتماد به بیگانگان تغییر داده بود. اگر شناخت درستی از مردم وجود داشت، دولت‌خانمی ترسی از اجرای به‌موقع هدفمندی بارانه‌ها نداشت و هزینه این دیرنصیمی را بر دوش دولت احمدی‌نژاد نمی‌انداخت. اگر این شناخت درست در دولت روحانی وجود داشت، رشد تدریجی قیمت‌ها و بنزین، خرج ترس وی از اعتماد به مردم نمی‌شد. روحانی در همان دولت اول جلوی حباب قیمتی را می‌گرفت و اتفاقات بنزینی۹۸ نمی‌افتاد. اما این ترس از اعتماد به مردم نمی‌گذاشت چرخه طبیعی دولت‌مداری و سیاست‌ورزی از دست دولتمردان اعتدال در برود. همه حرف این است که همین ترس و هراس از اعتماد به مردم موجب تاثیر تحریم‌ها چندبرابر شود و کشور در مدار بی‌اعتمادی به مردم به بهای اعتماد به غرب، قرار بگیرد.

درست در نقطه مقابل این هراس از اعتماد به مردم، شجاعت بازگشت به مردم قرار می‌گیرد. باید دید شعار بازگشت به مردم یا اصلاحات جامعه‌محور واقعی‌تر است یا شعار دولت مردمی، ایران قوی؟ ناگفته‌جواب روشن است. بازگشت به مردم، با ترس حاصل نمی‌شود. نمی‌توان مدعی بازگشت به مردم بود اما از اعتماد به مردم ترسید. اعتماد به مردم شجاعت می‌خواهد، خبر مردم در اعتماد واقعی به مردم است نه بیگانگان. نه تعامل و عادی‌سازی با بیگانگان بلکه عادی‌سازی و نرمال‌سازی اعتماد به مردم. به ابتدای این نوشتار برگردیم. یعنی دلالت پنهان «جمهوری بی‌جمهور»، اکنون اگر بخواهیم عادت به کاربرد واژه مردم در گفتار اصلاح‌طلبان را به پرسش بکشیم، دست‌مان بازتر است. بر خود اصلاح‌طلبان نیز واجب است گاهی یک سوزن به خود یک جوال‌دوز به دیگران بزنند. از خود بپرسند جمهوری ختمی را می‌خواهند یا جمهوری اسلامی؟